

جهان خوشنویسی ایرانی در انتظار پژوهش‌های انجام نشده

در گفتگویی با دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی



دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی

نهی رسد، بحث زبان و خط را می‌توان با مقوله ادبیات و خوشنویسی قیاس کرد که صورت هنری دو گونه ارتباطی پیشین خویش هستند.

چیدمان: پیدایش خط بر اساس متون دینی چگونه تأویل شده است؟

آموزه‌های دین اسلام درباره پیدایش خط و نیز خوشنویسی، بیش از اینکه در کتاب‌های دینی بیان شود، در رساله‌ها و متون کهن آموزش خوشنویسی بیان شده است. در آغاز آثاری چون: تحفه‌المحبین از یعقوب سراج شیرازی، رساله آداب خط از عبدالله صیرفی، رساله اصول و قواعد خطوط سته از فتح الله سبزواری، آداب خط از سلطان‌علی مشهدی و رساله‌های مجنون رفیقی هروی، پس از حمد حضرت باری، به پیدایی و منشأ خط پرداخته شده است.

بنابراین آموزه‌ها: «اول کسی که اشکال و اسامی خط و حروف دانست و نوشت، آدم صلی الله بود و معلم او حضرت عزت جل جلاله و عم نواله، چنانکه در کلام مجید ربّانی و تنزیل عزیز سبحانی فرموده است: و عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا...»^[۱]

۱- رساله اصول و قواعد خطوط سته، رسالاتی در خوشنویسی، ص ۲۲۸

حمیدرضا قلیچ‌خانی در سال ۱۳۴۷ در تهران متولد شد. قلیچ‌خانی خوشنویسی را از ۱۳۶۳ به شکل جدی نزد استاد اویس وقسی -نوه علی منظوری، شاگرد ممتاز محمد حسین عمادالکتاب- آغاز کرد و در سال ۱۳۶۸ دوره ممتاز را به پایان رساند و همان سال به کلاس فوق ممتاز استاد امیرخانی راه یافت. وی خط ثلث را از استاد موحد حسینی آموخت و در سال‌های ۶۸ و ۶۹ دو نمایندگی انفرادی برگزار کرد. مدرک دکتری خود را سال ۱۳۹۱ از دانشگاه دهلی گرفت. دکتر قلیچ‌خانی کتاب‌هایی چون فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی، درآمدی بر خوشنویسی ایرانی، صحیح مرآت الاصطلاح از آندرام مخلص، اصطلاحات نسخه‌پردازی در دیوان بیدل دهلوی را منتشر کرده است.

چیدمان: رابطه زبان و خط چگونه بوده است؟

زبان یکی از گونه‌های ارتباط انسان‌هاست که طی آن انسان‌ها با اصوات و هجاها می‌توانند احساسات و اندیشه‌های خود را به دیگران منتقل کنند. در قیاس با زبان که پیشینه‌ای چند ده هزار ساله و کهن دارد، خط پدیده‌ای جوان است که پیدایشش حتی به ده هزار سال نیز

بیشتر این متن‌ها، پس از پیدایش خط، به آغاز خوشنویسی و خط کوفی می‌پردازند و سلسله خوشنویسان را به علی (ع) می‌رسانند و همین نکته نیز در تقدس هرچه بیشتر خط و کتابت مؤثر بوده است. از علی (ع) نقل شده است که به کاتب خویش، عبیدالله بن ابی رافع، می‌گوید:

«أَلِقِ دَوَاتَكَ وَ أَطْلِ جَلْفَةَ قَلَمِكَ وَ فَرِّجْ بَيْنَ السُّطُورِ وَ قَرِّمْ بَيْنَ الْحُرُوفِ فَإِنَّ ذَلِكَ أَجْدَرُ بِصَبَاحِهِ الْحَطِّ.»^{۱۲}

یعنی دوات را لایقه بینداز و میدان قلمت را بلند بتراش و میان سطرها را گشاده دار و حروف را نزدیک هم بنویس که این روش، زیبایی خط را سزاوار است.

چیدمان: پژوهش‌های معاصر خوشنویسی ایرانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دو گروه پژوهش در رابطه با خوشنویسی ایرانی صورت گرفته است. یک دسته به شکل تحقیقات و یا تألیفات سنتی و کلاسیک هستند که با نوشتن تذکره‌ها، متون کهن و رسالات آموزشی و اینگونه کارها انجام شده است؛ خوشبختانه درباره خوشنویسی بعد از ادبیات می‌توان گفت بخت‌یارتین هنر در مقایسه با هنرهای دیگر از جمله معماری، موسیقی و یا نگارگری بوده است. متون و مستندات بسیاری از سده چهارم و پنجم درباره خوشنویسی داریم؛ کتاب‌هایی همچون «قابوس‌نامه» که باب سی و نهم آن مربوط به کتابت و دبیری است و همین طور کتاب «چهار مقاله» نظامی عروضی که یکی از چهار صنف کلیدی دوره خویش را کاتب و دبیر معرفی کرده است.

علاوه بر این‌ها کتاب‌های مستقلی نیز داریم از جمله «آیین دبیری» از عبدالخالق میهنی، «دستورالکاتب فی تعیین المراتب» از شمس منشی و کتاب «تحفه المحبین» در آداب معنوی خوشنویسی که به سال ۸۵۸ ق. در بیدر هندوستان تألیف شده است؛ همه اینها دال بر این است که چون در گذشته باسواد بودن، نخستین شرط کاتب شدن بوده و خوشنویسان جزو باسوادترین هنرمندان بشمار می‌رفتند، دسترسی خوشنویسان به منابع مکتوب زیاد بوده و بسیاری از آنان، دیوان شعر دارند و دارای تحصیلات در ادبیات فارسی و عربی بودند و به این جهت توانستند نوشته‌ها و رساله‌های فراوانی از خود به یادگار بگذارند که در آن‌ها از تاریخ خط، هنرمندان، اصول و قواعد خط، تکنیک‌ها، ابزار آلات، مرگب‌سازی، آماده‌سازی کاغذ و آهار مهره کردن مطالبی آمده است.

همه این‌ها نشان می‌دهد که پیشینه نظری خوشنویسی از نظر منابع پژوهشی بسیار غنی و در خور توجه است و در دوره معاصر تقریباً از پنجاه سال پیش در برخی زمینه‌ها پژوهش‌های بنیادین و خوبی منتشر شده است؛ یکی از قابل توجه‌ترین اثر در زمینه شرح احوال و آثار هنرمندان، کاری است که در چهار جلد از دکتر مهدی بیانی تحت عنوان «احوال و آثار خوشنویسان» منتشر شده است. چون بخش نستعلیق‌نویسان آن مجموعه در زمان حیات ایشان منتشر شد از همه کامل‌تر است اما بخش‌های دیگر پس از درگذشت ایشان به سال ۱۳۴۶ ش. منتشر شد که دارای افتادگی و کاستی‌هایی است که باید در آینده برطرف بشود. می‌توان گفت که این کتاب بهترین و دقیق‌ترین اثری است که توسط یک استاد و پژوهشگر معاصر که مسلط به خطوط بود و خود مدتی رئیس کتابخانه کاخ گلستان (سلطنتی سابق) و کتابخانه ملی ایران بوده و دسترسی به نسخه‌های خطی بسیاری داشته، صورت گرفته و منتشر شده است. پژوهش دیگر، کتاب «اطلس خط» از استاد

۲- نهج البلاغه، ص ۱۲۳۶

حبیب الله فضائلی است که در بخش تاریخ خط، کتاب فوق‌العاده و مرجعی بی‌نظیر است.

در زمینه‌های دیگر از جمله آموزش و تعلیم خوشنویسی، کتاب‌های بیشتری منتشر شده، رسم‌الخط‌های گوناگونی به ویژه بعد از انقلاب و درباره موضوعات خاص مثل کشیده‌نویسی، ترکیب، کرسی منتشر شده و مقالات و کتاب‌هایی نیز تألیف و تدوین شده است. در کتاب ارزشمندی که در اوایل دهه هفتاد با عنوان «کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی» از استاد نجیب مایل هروی نشر یافته و همزمان با آن در کتابی که با عنوان «رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته» منتشر کرده‌ام، تلاش کردیم تا کلیه رسالات آموزشی و متونی که به زبان فارسی در حوزه خوشنویسی و هنرهای مربوط به آن از جمله کاغذ و مرگب و رنگ و ابزارآلات و حتی صحافی و جز اینهاست، تصحیح و منتشر بشود تا در سال‌های بعد، به عنوان منبع دست اول برای بسیاری از تحقیقات دیگر استفاده شود.

سال ۷۳ کتابی منتشر کردم با عنوان «فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته»، این اثر برای خوشنویسان و دانشجویان هنر مورد نیاز و ضروری بود و برای نخستین بار بود که اصطلاحات این هنر گردآوری می‌شد. در آن زمان خبر نداشتم اما بعد مطلع شدم که این کتاب اولین فرهنگ خوشنویسی در جهان اسلام است، یعنی به زبان‌های دیگر مثل انگلیسی، عربی، اردو و ترکی هم چنین کتابی نداشتم و بعد از آن بود که کتاب‌هایی به زبان‌های عربی و ترکی منتشر شد. خوشبختانه ترجمه انگلیسی این کتاب را انتشارات بریل (Brill) در لیدن هلند در سال جاری منتشر کرده است؛ از من خواسته شد تا کتاب را بنا به مخاطب غیر ایرانی، ویرایش کنم و با افزایش و کاهش تصاویر، در پروسه‌ای چند ساله توسط خانم ربکا استپنگل ترجمه شد.

مجموعاً می‌توان گفت که در پنجاه سال گذشته پژوهش‌های خوبی در زمینه خوشنویسی صورت گرفته است اما از آنجایی که آموزش خوشنویسی به نهادی به نام «انجمن خوشنویسان ایران» سپرده شد و بیشتر فعالیت‌های خوشنویسی در آنجا تمرکز یافت و این هنر در دهه‌های گذشته از دانشگاه دور ماند و به موقعیت شایسته خود دست نیافت؛ می‌توان گفت که با توجه به تاریخ هزار ساله این هنر، باید آثار بایسته‌تری انجام می‌گرفت. اگر خوشنویسی را با هنرهایی چون عکاسی و فرش که به شکل دانشگاهی دارای دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد است مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم در مقایسه با آن‌ها از جهت منابع و مآخذ هنوز آن گونه که باید منابع قابل اعتماد و متنوع نداریم و جای پژوهش‌های بنیادی بسیاری در خوشنویسی ایران خالی است.

چیدمان: آثار منتشر شده محققان خارجی و پژوهش‌های اخیر آن‌ها را در ارتباط با خوشنویسی ایران چگونه می‌بینید؟

درباره خوشنویسی ایران خوشبختانه و از منظر متأسفانه کارهای جامع، کافی و وافی توسط ایران‌شناسان صورت نگرفته است. متأسفانه از این جهت که در معماری و نگارگری و برخی هنرهای مصلی انجام داده‌اند و با انتشار آن تحقیق‌ها کار برخی پژوهشگران داخلی را آسان شده است؛ خوشبختانه از منظر دیگری و آن این که این عرصه بکر و دست نخورده باقی مانده است. برای مثال در نگارگری چون برای ما دیکته کرده‌اند که این مکتب هرات، تبریز و اصفهان است دیگر نمی‌توانیم از تقسیم بندی‌های مستشرقان پا را فراتر بگذاریم و



خودمان این مکاتب را دسته بندی و تحلیل کنیم. اما خوشبختانه در خوشنویسی چون این اتفاق نیفتاده، این امکان وجود دارد که اینگونه پژوهش‌های بنیادی و دسته بندی‌های اساسی از طریق استادان بومی و متخصص صورت بگیرد. در مجموع درباره خوشنویسی، مستشرقان در مقایسه با هنرهای دیگر از جمله معماری و موسیقی و نسخ خطی کار قابل توجهی انجام نداده اند و یکی از دلایل آن طبیعتاً خواندن و درک زیبایی شناسی خوشنویسی بوده است. ازین رو اکثر مستشرقان هنگامی از خوشنویسی صحبت می‌کنند که کتیبه‌ای را در بنایی می‌بینند و ضمن بحث‌های تخصصی تاریخی و معماری، آن را بخشی از تزیینات بنا بشمار آورده و گزارش کرده‌اند؛ یا این که در نسخه‌های خطی نفیس، پس از آن که به نگارگری و تزیینات و آرایه‌های یک نسخه پرداختند، خط را هم به صورت ضمنی و به کوتاهی معرفی کرده‌اند. با این حال آثاری به زبان انگلیسی و زبان‌های دیگر منتشر شده است که قابل توجه‌اند و برخی از آن‌ها به فارسی ترجمه شده اند همچون کتاب «خوشنویسی و فرهنگ اسلامی» از خانم آن ماری شیمل یا آقای فرانسیس ریشارد که مدیر بخش فارسی کتابخانه ملی فرانسه بود و بخش اسلامی موزه لوور را طراحی و راه اندازی کرد، جلوه‌های هنر پارسی را در کتابخانه ملی پاریس معرفی کرده و در سال ۸۳ به فارسی ترجمه شد و اثر قابل توجهی است. همینطور برخی از مستشرقان مثل خانم شیلابلر و همسرشان جانانان بلوم که هنوز آثارشان به فارسی ترجمه نشده است. همین طور آقای فرانسوا دروش که روی قرآن‌های سده‌های نخستین دوره اسلامی کار کرده است.

چیدمان: مهم‌ترین پژوهشی که باید درباره کاربرد خوشنویسی در معماری اسلامی ایران انجام شود، چیست؟

در آغاز نیازمندیم تا کتیبه‌های تک تک بناها را بررسی و معرفی کنیم. تمامی مساجد و مدارس و جز اینها. یکایک گورستان‌ها و مزاراتشان باید از منظرهای گوناگون بررسی و مطالعه شود. در مرحله بعدی به پژوهش در ادوار گوناگون تاریخی همچون سلجوقیان و تیموریان می‌رسیم و به موازات آن باید به پژوهش در کتیبه‌های تک تک شهرها و سپس استان‌ها پرداخت.

آخرین قدم که سال‌هاست آرزوی شکل‌گیری آن را دارم، تألیف دانشنامه «کتیبه‌های ایران» است؛ برای این مهم در دو دهه گذشته بسیاری از دانشجویان و همکاران را به پژوهش‌های خرد در باب کتیبه‌ها تشویق و راهنمایی کرده‌ام تا بتوانیم به مرور زمینه‌ساز پژوهشی کلان باشیم.

چیدمان: شما در سال‌های اقامتتان در هندوستان تحقیقات مفصلی درباره کتیبه‌های ایرانی در شبه قاره انجام داده‌اید، لطفاً درباره کم و کیف آن توضیحاتی بدهید.

در اوایل دهه هشتاد از مدیران وقت فرهنگستان هنر خواستم تا پژوهشکده‌ای برای «خوشنویسی و هنرهای وابسته» تأسیس کنند که بدبختانه ممکن نشد ولی مدیران ارشد فرهنگستان قول دادند که پس از اتمام تحصیلاتم در هندوستان، از بنده برای راه اندازی «پژوهشکده هنر شبه قاره» استفاده کنند. به این منظور در طی سه سال هرگونه نشریه و پایان نامه و کتاب که به کتیبه و نسخه‌های خطی فارسی در هندوستان مربوط بود را گردآوری کردم و با برنامه‌ای منظم، کتیبه‌های فارسی و همچنین کتیبه‌های عربی که ایرانیان نگاشته بودند را شناسایی و عکاسی کردم و آرشیو دیجیتالی با بیش از ۱۲ هزار فریم عکس طبقه بندی شده را آماده کردم و برای هر بنا نیز گزارشی کوتاه شامل موقعیت کنونی بنا و جزئیاتی خاص را نوشتم. در اوایل سال ۲۰۱۴ از بخش مطالعات آسیای جنوبی دانشگاه شیکاگو برای سخنرانی

دعوت شدم و مرا به تألیف انگلیسی اثری درباره کتیبه‌های هند تشویق بسیار کردند، اما امیدوارم سازمانی یا پژوهشکده‌ای در ایران بتواند در این سال‌ها که هنوز انگیزه و حوصله دارم- تألیف دانشنامه‌ای در این زمینه را در دستور کار خود قرار دهد.

چیدمان: از وقتی که در اختیار ما گذاشتید سپاسگزاریم، در پایان اگر نکته‌ای را لازم می‌دانید، اضافه فرمایید.

سپاسگزارم، از هنری با سابقه بیش از هزار سال صحبت کردیم. هنگامی که به جستجو وجوه گوناگون خوشنویسی در اینترنت می‌پردازیم، می‌بینیم که مقالات، کتاب‌ها و پژوهش‌های جدی با عناوینی چون: «خوشنویسی ایران» یا «کتیبه‌های ایران» یا ترجمه این عنوان Persian Calligraphy یا Persian Inscriptions یا عناوین: ثلث ایرانی، نسخ ایرانی بسیار اندک است و با پژوهش‌های برخی کشورها در باب هنرهای اسلامی قابل قیاس نیست. دیگر فرهنگ‌ها در دهه‌های اخیر تلاش دارند تا خودشان را اثبات کنند و سهم خود را در فرهنگ جهان مشخص کنند. در اثر اخیرم با نام «درآمدی بر خوشنویسی ایرانی» کوشیده‌ام تا این مقله را به عنوان «پدر خوشنویسی ایرانی» به شکل جدی مطرح کنم، چراکه این هنرمند بزرگ ایرانی نیز همچون بسیاری از مشاهیر ایرانی به نفع دیگر اقوام و ملل مصادره خواهد گشت و اگر هوشیارتر عمل نکنیم، بسیاری از ارزش‌های خوشنویسی که مدیون نبوغ هنرمندان ایرانی بوده را از دست خواهیم داد.

پس از شناسایی و معرفی دقیق میراث کهن نیاکانمان، نوبت به این می‌رسد که این داشته‌های سرشار را با زندگی و جامعه امروزی تطبیق دهیم و راهی برای بهره‌مندی از آن‌ها در دنیای مدرن کنونی بیابیم و برای پیشینیان هنرمندانمان، میراث‌داران و رهروان شایسته‌ای باشیم. ■